خبر روز

نجات مادر بیمار و فرزندانش پیش از سقوط از طبقه پنجم

جلائیان| حوالی ساعت ۸ صبح دیروز، پسری نه ساله با پدرش تماس گرفت. پدر از اینکه پسرش به مدرسه نرفته و هنوز در خانه بود، تعجب کرد، اما با شنیدن صدای لرزان او سکوت کرد. کودک در حالی‌که به شدت گریه می‌کرد، گفت: بابا! حال مامان خوب نیست و می‌خواهد خودش را از تراس پایین بیندازد. زود بیا. مرد کوشید با جملاتی پسرش را آرام کند و بلافاصله به سمت خانه بازگشت.

دقایقی بعد، پس از حضور این مرد در محل سکونتش، او همسرش را روی لبه تراس خانه‌شان در طبقه پنجم یک ساختمان در خیابان کشاورز دید. او همچنین متوجه حضور پسران پنج ساله و نه ساله‌اش در تراس شد. مرد آن‌قدر نگران بود که نتوانست منتظر آمدن آسانسور شود و پله‌ها را دوتایکی به سمت بالا دوید، اما وقتی پشت در رسید، متوجه شد که همسرش در را از داخل قفل کرده و کلید روی در است. مرد که از بازکردن قفل در ناامید شده بود، خواست با درزدن از بچه‌هایش بخواهد در را باز کنند، اما همسایه‌ها مانع او شدند و از او خواستند به پلیس و آتش‌نشانی خبر دهد؛ چون ممکن است درزدن باعث شود همسرش هل شود و بلایی سر خودش و فرزندانش بیاورد.

لحظاتی بعد همسایه‌ها به مرد کمک کردند و با پلیس، آتش‌نشانی و اورژانس اجتماعی تماس گرفتند. در گزارش اولیه شهروندان به اشتباه موضوع گروگان‌گیری را مطرح کردند؛ موضوعی که حساسیت پرونده را برای پلیس دوچندان کرد.

بلافاصله تیم‌های امدادونجات آتش‌نشانی، مأموران کلانتری سپاد و اورژانس اجتماعی در محل حاضر شدند. مرد با دیدن پلیس و نیروهای امدادی، ادعای همسایه‌ها را رد کرد و توضیح داد که همسرش دچار اختلال اعصاب و روان است و در منزل نیز با دارو تحت درمان است. مرد جوان همچنین باتوجه به مکالمه‌ای که با پسرش داشت، مدعی شد هیچ خطری کودکان را تهدید نمی‌کند و آن‌ها احتمالا به‌دنبال مادرشان روی تراس رفته‌اند.

هرچند مرد جوان مدعی بود خطری متوجه کودکانش نیست و آن‌ها خودشان حاضر به تنهاگذاشتن مادرشان نیستند، پلیس، آتش‌نشانان و کارشناسان اورژانس اجتماعی، به‌سبب حضور کودکان، با احتیاط کامل عمل کردند و از هراقدام شتاب‌زده‌ای که می‌توانست موجب اضطراب یا تحریک زن شود، پرهیز کردند.

دقایقی بعد، پلیس و امدادگران، پس از هماهنگی قضایی، قفل در را باز کردند و بدون جلب‌توجه زن وارد این منزل مسکونی شدند. کارشناسان اورژانس اجتماعی در مکالمه‌ای یک‌ساعته با این زن توانستند او را آرام کنند تا از هر حرکت ناگهانی پیشگیری شود.

در ادامه تیم‌های امدادونجات با وجود آرام‌شدن زن، به او نزدیک شدند و در یک حرکت ناگهانی زن را گرفتند تا اتفاقی نیفتد و در ادامه با همکاری همسر و فرزندانش، او را به داخل ساختمان بردند. در پایان این عملیات، زن تحویل کارشناسان اورژانس اجتماعی شد تا با مداخلات درمانی و روانی برای ادامه زندگی کمکش کنند.

جهان حوادث

۱۴ کشته در آتش‌سوزی کارخانه وسایل آتش‌بازی

ایسنا| چهارده نفر در پی آتش‌سوزی در یک کارخانه تولید مواد آتش‌بازی در استان «یاروسلاول»، واقع در مرکز روسیه، کشته شدند. تصاویر منتشرشده، جرقه‌های درخشانی را نشان می‌دهد که از آوارهای درحال سوختن به اطراف پرتاب می‌شوند. آتش‌سوزی دو ساختمان را در یک کارخانه تولید وسایل آتش‌بازی ویران کرده است. بیش از صدکارمند و چهل قطعه تجهیزات برای خاموش‌کردن آتش به‌کار گرفته شدند. جزئیات بیشتری از حادثه اعلام نشده است.

واژگونی قایق در غرب «پورتوریکو» با ۴۲ مسافر

ایلنا| پس از واژگونی یک قایق دست‌ساز با حدود شصت سرنشین در آب‌های غرب پورتوریکو، چهل نفر نجات یافتند و دونفر جان باختند. عملیات امدادونجات پس از واژگونی این شناور در فاصله چندمایلی جزیره مونا، آغاز شد و امدادگران توانستند بیشتر مسافران این قایق را نجات دهند.

حمله مرگ‌بار دانش‌آموز به مدرسه

ایرنا| حمله یک دانش‌آموز پایه هشتم با چاقو به چند معلم و دانش‌آموز در مدرسه‌ای در شمال اسلواکی، یک کشته و دو زخمی بر جاگذاشت. یکی از معلمان، زنی ۶۱ساله، بر اثر شدت جراحات وارده جان خود را از دست داد. معلم دیگر، زنی چهل‌وچهارساله، از ناحیه قفسه سینه هدف ضربه چاقو قرارگرفت و بالگرد به بیمارستان منتقل شد. یک دانش‌آموز نیز در این حمله زخمی شد و وضعیت وی در بیمارستان وخیم گزارش شده است. پس از این حادثه، دو دستگاه آمبولانس زمینی و بالگردهای امدادی به محل اعزام شدند.

۶ کشته در سقوط بمب‌افکن راهبردی روسیه

صداوسیما| شش نفر در حادثه سقوط یک جت جنگنده در روسیه کشته شدند. وزارت دفاع روسیه نیز اعلام کرد که این بمب‌افکن راهبردی دوربرد Tu-۹۵ در منطقه آمور در شرق دور روسیه سقوط کرده است.

متهمی که با بیهوش‌کردن یک فروشنده در ساعات بامدادی، مغازه او را خالی کرده بود، دستگیر شد

شگرد مکارانه زن خارجی برای سرقت

سعید جلائیان

گزارش

نخستین شبی نبود که پسر از مغازه پدرش در محدوده خیابان پنجتن، به‌خانه نمی‌آمد. او شیفت شب مغازه را برعهده داشت و تازه از ساعت ۱۰ شب به مغازه می‌رفت و حدود ساعت ۲ صبح مغازه باز بود. مغازه‌دار راهی مغازه‌اش شد، وقتی به آنجا رسید، دید که کرکره سوپرمارکت پایین است، اما قفل‌های آن بسته نشده بود. او با ریموت، کرکره مغازه‌اش را بالا داد و دید اجناس مغازه‌اش به‌هم‌ریخته است و پسرش بی‌هوش کف مغازه افتاده است. نفس پیرمرد با دیدن پسر جوانش به شماره افتاد و با داد و فریاد از همسایه‌هایش کمک خواست. با حضور همسایه‌ها مشخص شد پسر جوانِ این مرد بیهوش شده است. مرد پسرش را در آغوش گرفت و با کمک سایر کسبه او را به یک مرکز درمانی در همان محدوده منتقل کرد. ساعتی بعد حال عمومی پسر، درحالی‌که کادر درمان علت بی‌حالی‌اش را مصرف تعدادی قرص خواب‌آور تشخیص داده بودند، بهتر شد و او را ترخیص کردند. پدر و پسر به کلانتری پنجتن رفتند و مدعی شدند که بامداد آن روز فردی با بیهوش‌کردن پسر جوان از مغازه آن‌ها میلیون‌ها تومان کالا دزدیده است. در پی مراجعه و اظهارات این پدر و پسر، سرهنگ احمد داورپناه، رئیس کلانتری پنجتن، شخصا نظارت به این پرونده را برعهده گرفت. او با صدور دستوراتی تخصصی تیمی از مأموران دایره آگاهی این مرکز پلیس را مسئول رسیدگی به این پرونده و انجام تحقیقات میدانی کرد.

درگام نخست رسیدگی به این پرونده، پسر جوان در گفت‌وگو با مأموران اعلام کرد: مغازه ما یک سوپرمارکت در محلی پرتردد و شلوغ است، برای همین تا ساعت ۲ صبح همیشه باز هستیم و من آخر شب‌ها به مغازه می‌روم. شب پیش پدرم و شریکش چندین کیسه برنج به مغازه آوردند. پس از خالی‌کردن برنج‌ها ما همه آن‌ها را در گوشه‌ای چیدیم تا صبح زود آن‌ها را به انبار ببریم. آن‌ها که رفتند، من یک قوطی آب‌میوه برداشتم و می‌خواستم از آن بنوشم که زنی جوان که با لجهه اتباع خارجی حرف می‌زد، وارد مغازه شد. زن جوان در مغازه ما دوری زد و بعد از من خواست یک بسته دستمال کاغذی برایش بیاورم. من به انتهای مغازه رفتم و دستمال را برایش آوردم. او دستمال را که گرفت، گفت وسایل دیگری هم می‌خواهد بخرد و اگر اشکالی ندارد کمی اینجا منتظر بماند تا پدرش بیاید دنبالش. من هم قبول کردم. آخرین چیزی که به یاد دارم این است که آب‌میوه را خوردم و دیگر چیزی به‌خاطر ندارم. وقتی به هوش آمدم، فهمیدم در مرکز درمانی هستم و گوشی همراهم نیز دزدیده شده است.

دوربین‌هایی که خاموش و روشن می‌شدند

پس از ثبت اظهارات این پسر جوان، تیم تحقیق به مغازه آن‌ها رفتند. مأموران متوجه شدند که دوربین داخل مغازه بعد از بیهوشی پسر جوان خاموش شده است، اما بیرون از مغازه دو دستگاه دوربین مداربسته دیگر نصب بود که برق آن‌ها از یک ساختمان مسکونی تأمین می‌شد.

مأموران ابتدا در بازبینی دوربین‌های داخل مغازه تا پیش از خاموشی، می‌بینند که زنی جوان وارد مغازه شده است. این زن ابتدا در مغازه گشتی می‌زند و از پسر می‌خواهد یک بسته دستمال برایش بیاورد. هم‌زمان با دورشدن پسر، زن پودری سفید را در قوطی آب‌میوه می‌ریزد و بطری را خیلی سریع تکان می‌دهد. زن جوان پس از آمدن پسر جوان دوباره به انتهای مغازه می‌رود و منتظر می‌ماند تا پسر آب‌میوه‌اش را بنوشد. زن پس از نوشیدن آب‌میوه جلو می‌آید. او با پسر جوان مشغول گفت‌وگو می‌شود تا اینکه پسر پس از گذشت چند دقیقه بی‌هوش می‌شود و روی زمین می‌افتد.

طبق تصاویری که دوربین‌های داخل مغازه ضبط کرده بودند، زن جوان در اولین اقدام برای قطع‌کردن دوربین‌ها، برق مغازه را قطع می‌کند. ساعت ۳ بامداد زن جوان دوباره برق را وصل می‌کند. دوربین‌های بیرون مغازه نشان داد که زن درحالی‌که گوشی همراهش را روی ویترین مغازه گذاشته است، کیسه‌های برنج، قوطی‌های روغن و اجناس زیادی را به خودرویی در بیرون مغازه منتقل می‌کند و از آنجا می‌رود. یک ساعت و ۳۵ دقیقه بعد همان زن یک‌بار دیگر با خودروی دیگری به محل این مغازه بازمی‌گردد. درحالی‌که راننده داخل خودرو منتظر می‌ماند، زن جوان با بالادادن کرکره وارد مغازه می‌شود. او در ابتدا گوشی همراهش را که روی ویترین جا گذاشته بود، برمی‌دارد؛ بعد از آن هم اجناس دیگری را از مغازه به داخل خودرو می‌برد و بلافاصله محل را ترک می‌کند.

شناسایی راننده

بار دیگر پای به جامانده از متهم، تیم تحقیق درگام نخست، راننده‌ای را که متهم را به مغازه آورده بود، به کلانتری فراخواند. این فرد در اظهاراتش بیان کرد که راننده تاکسی اینترنتی است. پس از حضور راننده، او با ارائه مستنداتی نشان داد که راننده تاکسی اینترنتی است و متهم با گوشی همراه فروشنده درخواست سفر کرده بود. راننده در ادامه تعریف کرد: وقتی این زن جوان را دیدم، او به من گفت که باید برای برداشتن وسایلی به مغازه‌اش برود. وقتی به مغازه رسیدیم، دیدم این زن با ریموت در مغازه را بالا داد و کلید را در اختیار داشت. با دیدن این صحنه اصلا شک نکردم. در ادامه راننده، مأموران را به محلی راهنمایی کرد که زن جوان را در آن پیاده کرده بود. تیم تحقیق با انجام تحقیقات محلی، توانست محل اختفای زن را ردزنی کند.

اعتراف به جرم

تیم تحقیق پس از گذشت چند ساعت سرانجام متهم را شناسایی و در یک عملیات ضربتی دستگیر کردند. متهم که اسمش ملاله و از اتباع خارجی بود در بازجویی اولیه گفت: من برای دزدی از این مغازه رفته بودم. وقتی دیدم فروشنده دارد آب‌میوه می‌نوشد، او را به عقب فروشگاه کشاندم و دو قرص خواب‌آور را که پیش‌تر پودر کرده بودم، در داخل بطری او ریختم. او بعد از چند دقیقه بیهوش شد. دفعه اول گوشی فروشنده و مقداری اقلام گران‌قیمت برداشتم. وقتی دیدم راننده تاکسی اینترنتی به من مشکوک شده است، در آخرین لحظه دسته‌کلید و ریموت مغازه را نیز برداشتم، برق را وصل کردم و در را بستم.

فروش اجناس دزدی به مغازه دیگر

متهم در پاسخ به اینکه چرا دوباره برگشته است، مدعی شد: پانزده دقیقه پس از اینکه به مخفیگاهم رسیدم، متوجه جاماندن گوشی همراهم در مغازه شدم. اگر گوشی پیدا می‌شد، من به راحتی دستگیر می‌شدم؛ برای همین با تاکسی اینترنتی به آنجا برگشتم. وقتی رسیدیم، گوشی همراهم را برداشتم، اما با خودم گفتم تا اینجا که آمده‌ام، اقلام بیشتری ببرم. به راننده گفتم که باید مقداری مواد غذایی از مغازه به خانه‌ام ببرم؛ لطفا کمی صبر کنید. من شروع به برداشتن مواد غذایی از جمله نوشیدنی انرژی‌زا، چای، شکلات، شامپو و دیگر اقلام گران‌قیمت کردم. بعد همه اقلام را به مخفیگاهم بردم. صبح زود من به یک واحد تجاری در محل خودمان رفتم و بیشتر اقلامی را که برداشته بودم، یک‌دهم قیمت به او فروختم.

باتکمیل پرونده این سرقت، متهم به همراه پرونده‌اش به مقام قضایی معرفی شد تا به جرم او رسیدگی شود.

عکس تزئینی است

حکایت جنگ به روایت آتش‌نشانان مشهدی

مشهد، شهری که ۱۴ بار جنگ را حس کرد

خبر

محمدجواد ابوعطا| مشهد پس از انقلاب اسلامی تا همین چندین ماه قبل جنگی را به صورت مستقیم تجربه نکرده بود. در طول هشت سال دفاع‌مقدس نیز مشهد جزو شهرهای امن کشور بود که گواهش شهرک عرب‌هایی است که از جنگ به مشهد پناه آورده بودند، هرچند که پس از هشت سال دفاع جانانه از میهن، آن‌ها خودشان را بیشتر مشهدی می‌دانستند و برای همیشه اینجا ماندند. اما جنگ دوازده‌روزه که آغاز شد، دامنه جنگ به مشهد نیز کشیده شد و اولین انفجار در فرودگاه مشهد رخ داد. در آن روز مشهد نیز طعم تلخ جنگ را احساس کرد. در این میان فقط آتش‌نشانان بودند که باید تجربه جدیدی را به کوله‌بار خود می‌افزودند؛ همان افرادی که وقتی همه از حادثه دور می‌شوند، آن‌ها تازه وارد شده و جانانه از مال و جان شهروندان حراست می‌کنند. این تجربه به جنگ تحمیلی سوم هم کشیده شد و باز هم مشهد از جنگ آسب دید، هرچند که این آسیب کجا و آسیب میناب، تهران، لامرد و... کجا؛ به هرحال مشهد نیز جزو شهرهای جنگی لحاظ می‌شود. حالا پس از گذشت ماه‌ها از پایان جنگ تحمیلی سوم، دیروز مدیرعامل سازمان آتش‌نشانی مشهد در نشست خبری‌اش گریزی به آتش جنگ تحمیلی سوم در مشهد زد و به دور از پوشاندن آمار یا ضعف‌های موجود صراحتا اعلام کرد: در جنگ تحمیلی سوم مشهد چهارده اصابت پرتابه را تجربه کرد که برای مهار آتش هفت انفجار، آتش‌نشانان به محل اعزام شدند.

امیر حسامی همچنین درباره تجربه متفاوت امدادرسانی در جنگ گفت: ما در عملیات جنگ حضور فعال داشتیم و ۲۴ ساعته همه شیفت‌ها آماده‌باش بودند. ما در روزهایی جنگ را تجربه کردیم که تجربه‌ای در این زمینه نداشتیم و بدون تجربه قبلی و عملی وارد فضای عملیات جنگ شدیم، ولی به خوبی این فضا مدیریت شد؛ ضمن اینکه به شهرهای جنگ‌زده نیز سرویس عملیاتی دادیم.

البته هرچند جنگ تجربه متفاوتی بوده است، اما آتش‌نشانان تقریبا همیشه به جنگ با حادثه می‌روند، نشانه‌اش نیز ۲۲ هزار تماس عملیاتی که شهروندان در شش ماه ابتدایی امسال با آتش‌نشانی برقرار کردند؛ موضوعی که حسامی به آن اشاره کرد و گفت که رقم دقیق آن ۳۱ هزار تماس بوده که نزدیک به ۱۰ هزار تماس آن مزاحمت، مشاوره و تماس اشتباهی بوده است؛ البته این را هم به گفته‌هایش اضافه کرد و به‌نوعی برای مزاحمان خط و نشان کشید که برای برخورد با مزاحمان تلفنی و افرادی که بی‌جهت سامانه ۱۲۵ را مشغول می‌کنند، با قوه قضاییه و مخابرات کار مشترکی را آغاز کرده‌ایم و از ابتدای سال اقدامات قضایی صورت گرفته است که در پی آن برخی از شماره‌تلفن‌های مزاحم قطع و حتی سلب‌امتیاز شده است، موضوعی که به کاهش تماس‌های مزاحم کمک کرده است.

یکی از بخش‌هایی که همه نگاه‌ها را به سمت آتش‌نشانی می‌کشاند، موضوع آتش‌سوزی‌هاست؛ شاخصه‌ای که مدیرعامل سازمان آتش‌نشانی مشهد درباره آن اعلام کرد که خوشبختانه مشهد در وقوع حریق، در شش ماه ابتدایی امسال، ۷ درصد کاهش را تجربه کرده است و ۲۷ درصد نیز در تعداد عملیات‌های امدادونجات کاهش ثبت شده است. در ماجرای آتش‌سوزی‌ها، سوختن ساختمان‌ها بیشترین تعداد حادثه را تشکیل می‌دهد، بعد از آن حریق ضایعات و فضای سبز در رتبه‌های بعدی است. قطع‌شدن برق و توقف آسانسورها مشکلی است که آتش‌نشانان را از لحاظ تعداد خسته کرده است. هرچند نیمه نخست سال قبل ۱۰ هزار گزارش محبوسی در آسانسور در مشهد رخ داده و امسال این آمار به ۷ هزار رسیده است، اما همچنان توان زیادی از آتش‌نشانان می‌گیرد. حسامی در این‌باره نیز گفت: سازمان نظام مهندسی، شهرسازی، شرکت برق و اداره‌کل استاندارد باید برای این موضوع فکری بکنند، چون کنترل این حجم از عملیات در شهر در بازه زمانی کوتاه بسیار سخت است و میزان آمادگی ما را برای حوادث دیگر دچار خدشه می‌کند. حل این اتفاق نیاز به همفکری و تصمیم مشترک دارد که ما برای حل موضوع اعلام آمادگی می‌کنیم.
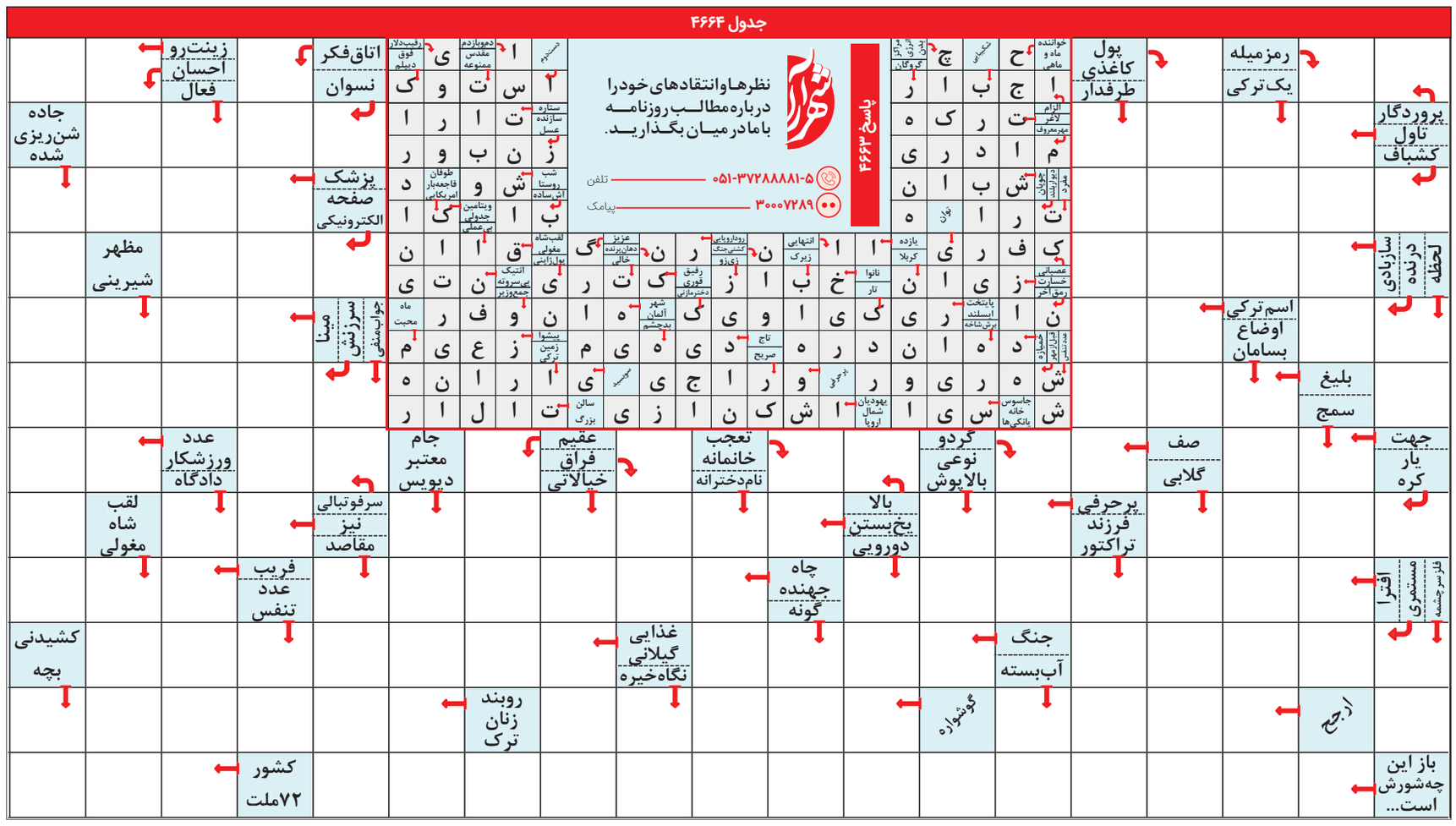
جدول ۴۶۶۴